مذهبی حس‌وحال معنوی بیشتری به افراد منتقل می‌شود و افراد هم‌بستگی و اتحاد را تجربه می‌کنند؛ احساسات و تجربیاتی که به‌تنهایی و در خلوت، دست‌یافتنی نیست. حال در شرایط اضطرار، چاره‌ای نیست اما می‌توان در این شرایط، عطش حضور در اجتماعات و مراکز مذهبی را زنده نگاه داشت؛ همچنان که شیعیان همواره آرزوی زیارت کربلا را در دل زنده نگاه داشته‌اند.

یکی از راهکارها در شرایط کرونایی برای غلبه بر محدودیت‌های اعمال‌شده، راه انداختن کاروان‌های تبرک‌بخشی است. در تجربه کاروان‌های تبرک‌بخشی، شیء متبرک را کارگزاران مکان مقدس و کارکنان خدمات مناسکی به نزد افراد متقاضی و ثبت‌نام‌کنندگان می‌برند. این تجربه را آستان قدس رضوی نیز برای متقاضیان فراهم کرده است. اگرچه بسیاری از این امر استقبال کردند، این قبیل اقدامات با انتقادهایی ازسوی برخی پژوهشگران دینی همراه بوده است و آنان معتقدند که تفکیک تبرک از زیارت، آن را از عقبه معنایی و میدان منطقی مناسک، خارج و به کالا تبدیل می‌کند. نظر شما چیست؟

اصل تبرک یک اصل عقلانی و دینی و نشانه عشق و ارادتِ عمیق عاشقان به یک شخص است. عشق از معشوق به متعلقات آن معشوق سرایت می‌کند و این در طبیعت و فطرت انسان ریشه دارد. زمانی که کسی را دوست داریم، هر چیزی را که نشانی از او دارد، نیز دوست داریم. مثلا وقتی که عاشق فردی می‌شوند یا با او ازدواج می‌کنند، خیابانی که آن فرد در آن سکونت دارد، از سایر خیابان‌ها برایشان متفاوت می‌شود. وقتی شخصی مبارک است، اشیای متعلق به او نیز متبرک می‌شود. قرآن برای پیراهن یوسف(ع) اثر و ارزش قائل است؛ حضرت یوسف(ع) فرمود: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا»؛ «پیراهنم را ببرید و بر صورت پدرم بیفکنید تا بینا شود». تبرک آثاری دارد و وسیله‌ای است برای تقرب. اما باید توجه کرد که هر چیز خوبی، آفتی دارد؛ «لكلِّ شيءٍ آفةٌ». ما باید مراقب آفت‌ها باشیم. آفت اُین است که زیارت در تبرک‌ها خلاصه بشود. اگر پرچم امام‌رضا(ع) را که مستقیم در صحن و سرای حرم رضوی متبرک شده است، برای کسی که از زیارت حرم رضوی محروم است ببرند، غنیمت است تا عشق خود را تازه کند اما اگر زیارت فقط در همین خلاصه و از معرفت تهی شود، اشکال دارد. اشتباه است که ما در کنار این کار به مومنان معرفت ندهیم. زیارت باید عارفانه باشد و بر معرفت‌ها بیفزاید. حتی زائران نباید به تبرک در حرم محدود شوند؛ برخی زائران در ایام پیش از کرونا متأسفانه به هر قیمتی می‌خواستند در حرم خود را به‌ضریح برسانند، حتی شده به قیمت آسیب به دیگری. علت آن است که این افراد روح زیارت را درک نکرده‌اند و معرفت آن‌ها ضعیف است. روح زیارت، ارتباط قلبی زائر با شخص محترم و صاحب منزلت است. در شرایط کرونایی که افراد از حضور در حرم محرومند، تبرک جستن از پرچم امام‌رضا(ع)، اتفاق بدی نیست اما باید توجه کرد که اگر خدا همه‌جا هست، نباید او را به مسجد و حرم محدود کرد یا اگر امام‌رضا(ع) قلب عالم امکان است، اشتباه است که ایشان را محدود به حرم کنیم. محدود کردن خداوند در مسجد یا امام در حرم، باعث می‌شود که ما یک دین فصلی و مراسمی داشته باشیم که تنها در یک جغرافیا و محدوده خاصی هم تجلی پیدا می‌کند. خداوند و امام می‌خواهند ما در همه‌جا حضورشان را احساس کنیم و آثارش در تمام زندگی ما تجلی پیدا کند تا زندگی‌مان سراسر معنوی و اخلاقی باشد. اسلام، هم به ظاهر اهمیت می‌دهد و هم به باطن. ظواهر از باطن حفاظت می‌کند. برای حفاظت از مغز، پوسته باید سالم باشد اما نباید افراد را در پوسته و سطح نگاه داشت.

برخی معتقدند که تجربه بحران کرونا سبب شده است حوزه اخلاق جمعی بسیط‌تر شود و مباحث جدیدی در دوران کرونایی پای به میدان اخلاق گذاشته است. به‌عنوان مثال اخلاق حکم می‌کند به‌گونه‌ای در عرصه اجتماعی ظاهر شویم که خطری در جهت ابتلای دیگران به‌ویروس کرونا نباشیم و این پیروی از مجموعه‌ای از اصول بهداشتی را می‌طلبد؛ مثلا فاصله فیزیکی را رعایت و از ماسک استفاده کنیم. درباره اخلاق کرونایی در شرایط کنونی مبتنی بر دین مبین اسلام چه می‌توان گفت؟

مهم‌ترین مسئله این است که انسان باید دغدغه جامعه اسلامی را داشته باشد. الفبای مسلمانی این است که انسان باید برای دیگران دغدغه داشته باشد و تنها به‌فکر خود نباشد. در همین روزها وقتی به‌افرادی توصیه می‌کنیم که ماسک بزنند، می‌گویند که اتفاقی برایمان نخواهد افتاد. این حرف صحیحی نیست؛ ممکن است برای شما اتفاقی نیفتد، اما ممکن است ناقل باشید. باید مراقب باشیم که مدیون دیگران نشویم. ظلمی که خداوند از آن نمی‌گذرد، ظلم انسان به‌انسان است. یکی از جنبه‌های اخلاقی کرونایی همین است که انسان‌ها را متوجه حق‌النّاس کنیم. اگر فردی مسبب بیمار شدن دیگری یا مرگ او باشد، مدیون می‌شود. ممکن است افراد متوجه اثر عمل خود نباشند و از آن آگاهی نداشته باشند؛ باید آن‌ها را آگاه کرد. این یک مسئله مهم اجتماعی است که ما نسبت به آن کمبودهایی داریم. پیش از کرونا نیز بسیاری متوجه نبودند که چگونه رفتار آنان به دیگران آسیب می‌رساند؛ مثلا فرد به‌ظاهر متدین است اما از ماشین دودزا استفاده و هوا را آلوده می‌کند یا به‌ظاهر مذهبی است اما با ایجاد سر و صدا برای همسایه خود مزاحمت ایجاد می‌کند. موضوع دیگر در این بحث، موضوع مهربانی و عقلانیت در مهربانی است. اسلام دین محبت و رحمت است، بر اُلفت، دوستی و صله رحم بارها تأکید کرده اما توأمان به تشخیص امر مهم‌تر نیز اصرار

امام‌رضا(ع) را محدود به حرم نکنیم. محدود کردن امام در حرم، باعث می‌شود که ما یک دین فصلی و مراسمی داشته باشیم

یکی دیگر از مباحثی که در پیوند با بحران کرونا مطرح است، فرهنگ عمومی کشورهاست. پژوهشگران مختلفی بر این نکته تأکید کرده‌اند که فرهنگ هر کشور سبب مواجهه متفاوتی با بحران کرونا شده است. فکر می‌کنید فرهنگ ایرانی- اسلامی در ایران چگونه در بحران کرونا نقش‌آفرینی کرده است؟

اسلام، آیین مهرورزی و عقلانیت است و ما نیز ملتی مهربان و عاقل هستیم. به‌نظرم بهترین برخورد با کرونا را در عالی‌ترین سطوح ما داشته‌ایم. مقام معظم رهبری بلافاصله وارد عمل شدند، توده‌های مردمی بسیج شدند و روحیه جهادی متجلی شد. رزمایش مواسات در همین راستا از جمله جلوه‌های افتخارآفرین در ایام کرونا است. منشأ همه این‌ها فرهنگ غنی ماست. ما در ایام کرونا برخلاف نظام‌های سرمایه‌داری اصالت را به‌پول ندادیم بلکه انسان را اصل و محور قرار دادیم. از نظر اسلام، انسان غایت خلقت است و خداوند می‌فرماید «خَلَقَ لَكُم ما فِي الأَرضِ جَميعًا». این یعنی همه هستی برای انسان خلق شده و در خدمت آن است پس همه چیز فدای انسان. درنتیجه ما برای حفظ سلامت انسان، بسیاری از ضررها را متحمل شدیم. هر چند به‌عقیده من می‌توانستیم بهتر از این عمل کنیم اما باز هم در عالی‌ترین سطوح نظام این پیام صادر شد که سلامت مردم در رأس همه امور است. این نشان از فرهنگ عمومی ماست که ما یک ملت عاطفی و مهربان هستیم و همان جلوه‌هایی که تا پیش از این در محرم و صفر اتفاق می‌افتاد در ایام کرونا به‌شکل وسیع‌تری اتفاق افتاد. در هنگام وقوع سیل و زلزله هم به‌همین ترتیب روحیه جهادی ما آشکار می‌شود. هنرمندان باید بر روی این موضوعات کار کنند و به‌نحو شایسته این‌ها را منتقل و در تاریخ ثبت نمایند. آنچه اهمیت دارد دوام و تسری این روحیه جهادی، مهربانانه و عقلانی به‌دیگر عرصه‌های جامعه است.

بحران کرونا چه آموزه‌های اخلاقی و انسانی‌ای را برای ما در پی داشته است و چه تأثیراتی بر زیست فردی و اجتماعی ما خواهد گذاشت؟

بحران کرونا ما را متوجه قدرت و عظمت پروردگار متعال کرد و مسئولان فرهنگی کشور و فرهیختگان باید از این فرصت استفاده کنند و معرفت مردم را به‌خداوند ارتقا دهند. در خطبه نخست نهج‌البلاغه آمده است که خداوند انبیا را فرستاده تا آن‌ها نشانه‌های قدرت خداوند را به رُخ مردم بکشند. هرچه معرفت ما به‌خداوند متعال بیشتر شود دین‌داری‌مان عمیق‌تر خواهد شد. از سوی دیگر بحران کرونا بشر را متوجه عجز و ضعفش کرد. بشری که در زمینه‌های مختلف از نظر ظاهری این‌قدر پیشرفت کرده است، توسط یک ویروس این گونه زمین‌گیر می‌شود! بحران کرونا همچنین هیمنه پوشالی ابرقدرت‌ها را آشکار کرد و این نشان می‌دهد که اگر خداوند بخواهد هر اتفاقی امکان‌پذیر است. نکته دیگر آنکه بحران کرونا ما را متوجه نعمت‌ها کرد. نعمت تنها پول نیست بلکه سلامتی اهمیت به‌مراتب بیشتری دارد و بر دیگر حوزه‌ها از جمله اقتصاد تأثیر می‌گذارد؛ مادامی که ما سلامتی نداریم انگار اقتصاد هم نداریم. بحران کرونا همچنین برای ما یادآور آن بود که نعمت‌های معنوی نیز بسیار حائز اهمیت است. نعمت آرامش و امنیت دو نعمتی بود که پیش از بحران کرونا ما متوجه آن‌ها نبودیم و اکنون می‌بینیم که یک لحظه خارج شدن از خانه و استرس‌های آن در وضعیت کرونا چه انرژی مضاعفی را از ما می‌گیرد و زندگی را برایمان ناگوار می‌کند. خداوند متعال گاهی این نعمت‌ها را از انسان می‌گیرد تا آن‌ها قدر نعمت‌ها را بدانند. بحران کرونا ضعف‌های ما را نیز آشکار کرد چه در ابعاد شخصی و چه در ابعاد اجتماعی تا متوجه کاستی‌ها شویم. بخشی از جامعه ما توصیه‌ها و قوانین را رعایت نکردند و در برابر سلامتی خود و دیگران حساس نبودند. همچنین ضعف عقلانیت و برداشت‌های سطحی برخی از متدینان از دین و امدادهای غیبی در بحران کرونا آشکار شد. به‌عنوان مثال در همین روزهای کرونایی از فردی که در صحن حرم ماسک نزده بود، پرسیدم که چرا ماسک نزده‌ای؟ گفت در این‌جا هیچ اتفاقی برای من نمی‌افتد. به‌ایشان گفتم که در همین حرم بمب منفجر شده است و براساس چه منطقی چنین سخنی می‌گویی؟ اینکه ما در حرم ماسک بزنیم، توهین به امام رضا (ع) نیست؛ بلکه از طرف دیگر اگر ما ماسک نزنیم، حرم را آلوده به‌ویروس می‌کنیم و توصیه به‌ماسک زدن برای جلوگیری از این اتفاق است. یا مثلا برخی می‌گویند که حرم دارالشفاست و هیچ‌کس در حرم در اثر انتشار ویروس بیمار نمی‌شود. این نشان می‌دهد که برخی موضوعات برای مردم به‌درستی تبیین نشده است. نکته دیگر آنکه در جامعه هر زمان که امر به‌معروف و نهی‌ازمنکر صورت می‌گرفت، برخی معترض می‌شدند که این دخالت در زندگی خصوصی افراد است، درحالی‌که اصل امر به‌معروف و نهی از منکر، یک خیرخواهی عمومی و دلسوزی همگانی است و در شرایط کنونی، می‌توان از آن بهره برد؛ چراکه همه با آن آشنایی دارند و آن را می‌پذیرند. کسانی که می‌خواهند این اصل مترقی در جامعه نهادینه شود، می‌توانند در ایام کرونا توصیه‌های بهداشتی را به دیگران، گوشزد و مثلا دعوت به ماسک زدن کنند. در روایات آمده است که «كُلُّكُمْ راعٍ، وَ كُلُّكُمْ مَسْؤُولٌ»؛ همه ما سرنشینان یک کشتی هستیم و نمی‌توانیم در برابر سلامت دیگران بی‌توجه باشیم. امیدوارم که آثار منفی ایام کرونا در آینده، باقی نماند و آثار مثبت آن همواره همراه ما باشد.

در شرایط کرونا ما استفاده صحیح از فضای مجازی را تجربه کردیم و ظرفیت فضای مجازی برای بسیاری از افراد با برگزاری مراسم عبادی آشکار شد و هیئت‌ها و مساجد را به منازل بردیم و این بسیار کار پسندیده‌ای بود. شرایط کرونایی سبب شد مومنان خانه خود را مسجد و هیئت کنند

زیرخاکی

بخوانید از اخبار مرو

سید مهدی سیدقطبی
کارشناس مطبوعات

در روزنامه هفته گذشته از اخبار اردوی مرو شطری در سطری چند نوشته شد ولی آن خبری بود محتمل بر صدق و کذب، زیرا که از شاهزاده حشمت‌الدوله و قوام‌الدوله خبری صریح نرسیده بود. در روز بیست‌وسوم این ماه حسن‌بیگ فرستاده قوام‌الدوله که از مرو فرستاده بود شرف‌اندوز رکاب نصرت انتساب همایون گردیده نوشتجات شاهزاده و قوام‌الدوله و سایر سران سپاه نصرت همراه را آورده مخبر از اینکه چون راه مرو از مشهد مقدس از جایی که عبور قشون ممکن باشد منحصر است به دو جانب یکی از سمت کلزان و پنجده و یول اتان و دیگر از طرف سرخس و راه شورکال و کوچه قم راه کوچه بعد از گذشتن از شورکال تا یورت‌ایشه در هجده فرسنگ مسافت وادی غیر ذی ذرع است و خالی از آب و آبادانی. اگر ترکمانان بلد آن سامان پنج و ده نفری از آن راه عبور نمایند در فصل زمستان خواهد بود والا با حرارت تموز هرگز احدی از آن راه عبور نکرده است و دیگر راه که از جانب پنجده و یول اتان بود سکنه یول اتان چون جماعت ترکمانیه سالور بودند که سابقاً در سرخس سکنی داشتند و به جهت شرارت و هرزگی‌شان نایب‌السلطنه مبرور از آنجا پراکنده ساخت آمده در یول اتان سکنی گرفتند. در این اوقات طایفه تکه مرونشین نیز آن‌ها را با خود متفق ساخته نرد این خیال می‌باختند که از راه کوچه قم هرکس عبور کند از گرما و بی‌آبی گم خواهد شد و به منزل نخواهد رسید. از این راه هم در یول اتان جماعت سالور مانع و حایل از عبور خواهند بود. درصورت لزوم از مرو تا آنجا پنج فرسخ مسافت بیش نیست، تکه نیز حمیت و غیرت خواهد کرد و دیگر آن قشون را قدرت عبور به مرو نخواهد بود و بی‌نیل مقصود معاودت خواهند نمود به این خیال دل خوش داشتند و تخم عناد و شقاق در دل می‌کاشتند غافل از اینکه با فضل خدا و عزم سایه خدا سربازان مضمار ارادت را خار مغیلان خاصیت پرنیان بخشد و خاک بیابان در مذاقشان طراوت آب حیات دهد. آفتاب تموزشان چون نسیم نوروز است و طی مسافت و تحمل زحمت راحت‌اندوز از همان راه بی‌آب راه شتاب پیش گرفتند و بی‌مخافت و تشویش رو به جانب مقصود خویش رفتند. از فضل خدا و بخت سایه خدا در منزل اول در جایی که فرود آمدند مکانی بود که احدی آب را در آن سرزمین به‌خواب ندیده بود. چاه کنده در چهار زرعی آب شیرین گوارا به دست آمد. آن روز و آن شب قریب به دو هزار چاه آب کندند و آب شیرین گوارا به حدی بود که احدی اعتنا نمی‌نمود و از شوق این لطفی که از جانب خدا برایشان وارد شد سه روز در آنجا توقف نموده از خستگی راه آرمیدند و از آنجا حرکت کرده یک شب دیگر در میانه توقف نموده روز سوم به جلگای مرو به جایی رسیدند که ابتدای مزروع ترکمان بود. قشون دولت با دلی خوش در کمال آسودگی در همان مکان دلکش فرود آمده از خستگی راه لختی بیاسودند و سه روز در آن مکان توقف نمودند و از محصول و مزروع ترکمانان در ایام توقف آن مکان به قدر ضرورت چرانیدند و به قدری که مال داشتند بارگیری کرده پس از سه روز از آنجا کوچیدند. در آن روز ترکمان تکه که هم از جهت اطمینان راه و هم به جهت جمع‌آوری مشتی آذوقه پشت به قلعه کرده به هوای آب و علف به معرض تلف افتادند قلعه و بنگاه خود را گذاشته در صحراها توقف داشتند از خواب غفلت بیدار شده آفتاب را از مغرب طالع و راه توبه را مسدود دیدند. بیست هزار خانوار ترکمان که آنچه به تحقیق نوشته‌اند سی هزار نفر سواره و پیاده رشید اسب‌تاز و تفنگ‌انداز دارند به فکر مقابله و مقاتله افتاده از سوار و پیاده و شمخالچی آنچه داشتند و توانستند به پیش آوردند و در میان نهرهای عمیق بزرگ سنگر کردند و دست دعا از جیب عناد به درآوردند. در اول وهله به پیش‌قراول قشون ظفرنمون که به همه جهت دو هزار نفر مرکب بود از سربازان سمنانی و دامغانی و شقاقی و اردبیل و مشکین قرائی و سواره هزاره رسیدند دست به جنگ و شصت به تیر و تفنگ گشودند. سربازان و سواره مزبوره آن جنگ مُهّیا را عیش مُهنّا دانسته بر آن گروه ضلالت‌پژوه حمله بردند و در حمله اول شلیک کرده به قدر دویست نفر از آن‌ها را به خاک هلاک انداختند. آن طایفه گمراه عرصه را تنگ دیده جای درنگ برای خود ندیدند منهزماً به جانب او به خود شتافتند و سلامت را در هزیمت یافتند و همین سرباز و سواره پیش‌قراول آن‌ها را تعاقب کرده تا به میان اوبه‌های ایشان رساندند. چون سایر قشون دور بودند و وقت غروب بود پیش رفتن را مصلحت ندانستند. با کمال شوکت شیپور کشیده ایستادند و جماعت ترکمانیه سلامت جان را غنیمت دانسته در همان گیرودار اوبه و آلاچیق و ایل و تبار خود را از رودخانه مرو که رودی است بسیار عظیم و هیچ‌وقت برای سوار عبور از آن ممکن نیست گذرانیدند و به اعتقاد خود، خود را به وادی ایمن رسانیدند ولی برگشتگی بخت آن طایفه از همین پدیدار است که از قلعه و بنگاهشان چنان غفلت کردند که دوباره راه نیفتادند تا رفتند به تدبیر و چاره کار پردازند و کاری برای خود بسازند تیر از شصت و کار از دست رفته بود لکن از آنجاکه عساکر منصوره را تسخیر و تصرف قلعه مرو مطمح نظر بود به آنان نپرداخته آن شب را در همان جا رحل اقامت انداختند و آنچه دواب بارگیر داشتند آذوقه بار گرفته روز دیگر به جانب مقصد شتافتند. پس از وصول به قلعه از وجود قلعگیان اثری نیافتند. معلوم شد که فرصت رجعت به قلعه نداشته قلعه را خالی گذاشته‌اند.

شماره ۴۷۳/ ۲۶صفر ۱۲۷۷/روزنامه دولت علّیه ایران

به روایت منشور

منشور حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد(۳۱)
فصل ششم: حق بر فضای شهری و کالبد
۶-۲- کالبدی- فضایی
۷۱ اداره محلی موظف است ضمن شناسایی فضاهای ناامن و بی دفاع شهری، نسبت به ایمن‌سازی خودکفای این فضاها در چارچوب شبکه منسجم فضاهای شهری اقدام نماید.
برای مطالعه منشور کامل حقوق و مسئولیت‌های شهرنشینی شهر مشهد کد روبه‌رو را اسکن کنید

جوانه

رفع مشکلات کوی کارمندان با پیامک‌های مردمی

شهرداری منطقه شش: در پاسخ به پیامک شهروند محترم مبنی بر بازسازی نشدن فضای سبز رستمی ۳ و اتلاف وقت مهندسان مستقر در شهرداری رستمی ۲ به اطلاع شهروند محترم می‌رساند که فضای سبز رستمی ۳ به صورت لچکی های جنگلی است و از گونه های ژونی‌پروس، پامپاس گراس و پرچین و همچنین درختان اقاقیا تشکیل شده و طبق تقویم باغبانی، فعالیت های فضای سبز در این قسمت مانند بقیه نقاط پیمانی صورت می گیرد. همچنین در استقبال از بهار سال ۹۹ نسبت به بازپیرایی ابنیه(تعویض و ترمیم سنگ های سکوهای نشیمن گاهی) و واکاری فضای سبز آن اقدام گردیده است. همچنین در پاسخ به پیامک شهروند عزیز مبنی بر خرابی ده ساله فضای سبز نبش رستمی ۲/۱۵ در خیابان رستمی ۲ و نبود رسیدگی لازم، به اطلاع می رساند که این لچکی در تاریخ پنجم تیر ۹۹ بازپیرایی شده و کاشت گونه فضای سبز هم انجام گردید. درخصوص پیامک شهروند محترم مبنی بر برداشتن پل های ماشین روی جلوی مغازه های مردم در شهرک شهید رجایی و نبش حر ۵۶ باید ذکر شود که نام برده بدون مجوز از شهرداری، ایجاد مغازه کرده و پل ها هم به صورت غیرمجاز در معبر عمومی نصب شده بودند، این امر باعث تخریب فضای سبز و خسارت به شهرداری شده بود. پل ها بتونی است که باعث راکد شدن آب در معبر می شود؛ به خصوص در زمان بارندگی، لذا به جهت جلوگیری از خطرات احتمالی برای شهروندان، این پل ها جمع آوری شدند. براساس بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها، از ادامه فعالیت نام برده جلوگیری خواهد شد.

همچنین درخصوص پیامک شهروند مبنی بر بردن سطل زباله در انتهای شهرک رجایی مقابل دو مدرسه باید به اطلاع برسانیم که سطل بادبزنی ثابت قبلا سرقت شده است و نصب سطل های جدید و جایگزین در دستور کار می باشد. ضمنا از شهروندان محترم تقاضا می گردد زباله های خود را در ساعت مقرر، بیرون منازل خود قرار دهند و اکیدا از انباشت زباله درب منازل و سر کوچه ها اجتناب نمایند. پیرو پیامک شهروند عزیز مبنی بر وجود حفره هایی در دیوار راه‌آهن در رستمی ۲ و تردد معتادان و ورود حیوانات موذی و درخواست بازسازی آن، به استحضار می‌رساند که تمام راه‌های ارتباطی که توسط افراد متجاهر ایجاد شده بود، بررسی و مسدود گردید. درخصوص پیامک شهروند مبنی بر خشک شدن بوته‌های فضای سبز کوی کارمندان، به عرض می‌رساند که گونه‌های کاشته‌شده در این فضا به‌دلیل روتبال بودن، گاهی سازگاری لازم را پیدا نمی‌کنند و درصورت احیا نشدن، جمع‌آوری می‌شوند و نسبت به کاشت دوباره اقدام می‌شود.

درمورد پیامک شهروندی مبنی بر شکستگی شاخه درخت توت رستمی ۲ نبش ۲/۱۵ به اطلاع می‌رساند که هرس درخت مذکور انجام شد.